

مبانی و منابع وضع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

محمد رضا چوپانی یزدلی^{##}

مقدمه

مبانی و منابع وضع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در این تحقیق منشأ و پایه وضع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که این قانون براساس آن تأسیس و ایجاد شده و همچنین مأخذ و منابع قانون اساسی کشورمان را مورد بررسی قرار می‌دهیم. مقصود از مبانی وضع قانون اساسی، ساختارهای تجربیدی و ذهنی^۱ می‌باشند که باعث تأسیس قانون مذکور شده‌اند، حال آنکه مراد از منابع وضع قانون اساسی مواردی است عینی و خارجی که فرض بر آن است که قانون اساسی کشورمان با الهام از منابع و یا اقتباس از آنها وضع و تصویب شده است. در این خصوص مؤلفه‌هایی چون انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) جزء مبانی وضع قانون اساسی و مواردی چون شرع و آموزه‌های دینی، قانون اساسی دیگر کشورها و اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی داخل در منابع وضع قانون اساسی محسوب می‌شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فصل اول: مبانی وضع قانون اساسی

همان‌گونه که پیشتر گفته شد عواملی هم‌چون انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) از مبانی وضع‌کننده قانون اساسی کشور ما محسوب می‌شوند. این عناصر در مجموع به مثابه اراده یا قوه مؤسس قانون اساسی به شمار می‌آیند. منظور از قوه مؤسس در اینجا آن اراده و نیرویی است که باعث ایجاد و تأسیس قانون اساسی می‌شود. قوه مؤسس قانون اساسی جمهوری اسلامی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی نراق.

ایران، انقلاب اسلامی، افکار و اندیشه‌های امام خمینی و پیوند و ارتباط دین و ملت می‌باشد که هرکدام در نوع خود قابل بررسی است.

اول: انقلاب اسلامی

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ با طرد نهادهای حکومت طاغوت و با برداشتن ارزش‌ها و اعتقادات جدید در پرتو دین مبین اسلام پا به عرصه وجود گذاشت. انقلاب مذکور یک تحول ساده نبود، بلکه با خود نوید یک دگرگونی با خمیرمایه اسلام و موازین اسلامی را همراه داشت. از این رو، این انقلاب «انقلاب اسلامی»^۱ لقب گرفته است. انقلاب اسلامی ایران باعث انهدام و اضمحلال تشکیلات پوشالی و فرسوده رژیم استبدادی پهلوی شده و با محتوای دینی - اسلامی خود راه را جهت ایجاد حکومت اسلامی هموار کرد، وانگهی ایجاد یک حکومت؛ محتاج سازماندهی و برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی نیاز به داشتن قاعده و قانون است. قانونی که ترسیم‌کننده سازمان‌های حکومتی، وظایف و اختیارات حکومت و تنظیم‌کننده روابط حکومت و افراد باشد که ما آن را به نام «قانون اساسی» می‌شناسیم.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ارادهٔ تدوین و وضع قانون اساسی را فراهم نمود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آمده از خواست انقلابی مردم ایران بوده که به تبع آن تمام آرمان‌ها و تمایلات انقلاب اسلامی در تار و پود این قانون تنیده شده است. این امر حکایت از ابعاد گسترده انقلاب اسلامی (عقیدتی، سیاسی و...) و نقش آن در وضع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارد. به این ترتیب می‌توان بر این باور بود که «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای

۱. انقلاب اسلامی یعنی راهی که هدف آن اسلام و ارزش‌های اسلامی است و انقلاب و مبارزه (در آن) صرفاً برای برقراری ارزش‌های اسلامی انجام گرفت. (برگرفته از: استاد مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۵۷)
 ۲. بعضی‌ها فکر می‌کنند مقصود از اسلام تنها همان معنویت است که در ادیان به طور کلی و از جمله در اسلام وجود دارد. گروه دیگر می‌پندارند اسلامی بودن به معنای رواج مناسک مذهبی و آزاد بودن انجام عبادات و آداب شرعی است. اما با وجود این تعبیرات، اسلام، معنویت محض، آن‌چنان که غربی‌ها دربارهٔ مذهب می‌اندیشند نیست. این حقیقت نه تنها دربارهٔ انقلاب (ایران) بلکه در مورد انقلاب صدر اسلام نیز صادق است... راز موفقیت نهضت ما نیز در این بوده است که نه تنها به عامل معنویت تکیه داشته، بلکه آن دو عامل دیگر - مادی و سیاسی - را نیز با اسلامی کردن محتوای آنها در خود قرار داده است (همان، ص ۴۱)

فاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت، این خواست اساسی را مشخص کرده است... ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است. ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه‌گرانبها دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت‌ها، مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت‌های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را برعهده داشت، ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش‌ها به سرعت به رکورد کشانده شد.^۱ انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ با سرلوحه قرار دادن اسلام در تمام ابعاد و مراحل به پیشرفت و ترقی نایل شده است که یکی از نمونه‌ها و آثار این پیشرفت و موفقیت، تدوین قانون اساسی است.^۲

دوم: اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره)

نقش حضرت امام خمینی (ره) در تمام مراحل انقلاب اسلامی (قبل و بعد از انقلاب) انکارناپذیر است. رهبری ایشان در سایه افکار و اندیشه‌های عالمانه و آگاهانه وی از پایه‌ای‌ترین عوامل در پیشبرد اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. در بحث حاضر، اندیشه والا و بالای حضرت امام (ره) از جمله مهم‌ترین مبناهای وضع و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، به گونه‌ای که می‌توان گفت: «فکر تدوین قانون اساسی، قبل از پیروزی انقلاب و به هنگام اقامت امام در پاریس (۱۳ مهر تا ۱۱ بهمن ۱۳۵۷) به وجود آمد، پیش‌نویس اولیه در همان‌جا تهیه گردید و پس از آن در ایران مورد بررسی‌های متعدد قرار گرفت»^۳ این پیش‌نویس بازتاب متفاوتی بین اقشار مختلف مردم و گروه‌های اسلامی و غیر اسلامی و دسته‌جات سیاسی داشت... گروهی معتقد بودند و اصرار می‌ورزیدند که برای تدوین قانون اساسی مجلس مؤسسانی لازم است که اعضای آن بیش از سیصد نفر از اهل فن باشند، بعضی دیگر عقیده داشتند که اصلاً

۱. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. برای مطالعه آثار و نتایج اسلامی ر.ک: محمدباقر حشمت‌زاده، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، نویسنده در این کتاب در کنار آثار مختلف انقلاب اسلامی به آثار سیاسی داخلی اشاره نموده و از جمله این آثار به «تدوین قانون اساسی» پرداخته است.

۳. سید محمد هاشمی. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۲۷.

لزومی به تشکیل مجلس مؤسسان^۱ نیست، بهتر است طرح قانون اساسی را دولت در معرض نظرخواهی عمومی قرار دهد، اما حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه با قاطعیتی مثل همیشه فرمودند:

به جای یک مجلس مؤسسان بزرگ که ماه‌ها و قزمان را خواهد گرفت و لحظه‌های حساس انقلاب را به هدر خواهد داد، مجلسی به نام خبرگان تشکیل شود و عده‌ای از علمای اسلام‌شناس طرح قانون اساسی را ملاحظه کنند و بعد از شور و بررسی برای تصویب به مردم ایران عرضه کنند.

امام در مورد قانون اساسی و مجلس خبرگان تأکید کرد:

قانون اساسی ما باید اسلامی باشد و حتی یک حرف غیراسلامی در آن نباشد. ملت ما کسانی را انتخاب می‌کنند که به اسلام عقیده دارند.^۲

حضرت امام خمینی (ره) در مورد ویژگی‌های قانون اساسی خطاب به نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی بیان می‌نمایند که نمایندگان مجلس خبرگان باید همه مساعی خویش را به کار برند تا قانون اساسی جامع مزایا و خصوصیات زیر باشد:

- (الف) حفظ و حمایت حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت دور از تبعیض‌های ناروا؛
- (ب) پیش‌بینی نیازها و منافع نسل‌های آینده؛
- (ج) صراحت و روشنی مفاهیم قانون؛
- (د) صلاحیت نمونه و راهنما قرار گرفتن برای نهضت‌های اسلامی دیگر.^۳

امام با تکیه و تأکید، تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی را به طور مکرر خاطر نشان می‌کردند و برای آگاهی هرچه بیشتر مردم صفات افرادی را که قرار بود انتخاب شوند، متذکر می‌شدند.^۴

با توجه به جو ملتهب انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) به سرعت و تعجیل در استقرار و تدوین قانون اساسی اعتقاد داشتند و فرمودند: «ما حالا باید قانون اساسی را آن‌طور که برای اسلام باشد تصویب کنیم و این هم باید زود تصویب شود».^۵

من از مجلس خبرگان می‌خواهم که این قدر معطل نکنند مردم را، البته باید بررسی شود،

1. Constituent Assembly.

۲. سید جلال‌الدین مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۶۱ و ۶۲ با اندکی تغییر و تخلص.

۳. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۶.

۴. محسن خللی، «ناسیگی پدیداری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه حضور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بهار ۱۳۷۸، شماره ۲۷، ص ۱۷۲.

۵. همان، ص ۱۷۷، به نقل از صفحه نور، ج ۴، ص ۴۵۶.

لیکن معطلی نشود، ما می‌خواهیم زودتر این مسائل انجام بگیرد. آقایان زودتر کار خودشان را انجام بدهند.^۱

پس از تدوین قانون اساسی که با اصرار امام خمینی (ره) در حداقل زمان ممکن تهیه شده بود، تنها یک مورد باقی مانده بود و آن هم رأی به قانون اساسی بود. در چنین گام مهم و حساسی، امام خمینی (ره) به مخالفان قانون اساسی هشدار دادند که در کار تصویب قانون اساسی سنگ اندازی نکنند و مردم را ترغیب کردند که در انتخابات شرکت کنند:

نترسانید مردم را از این قانون اساسی که تصویب کردند عده‌ای از علمای اسلام و دانشمندان، بروید رأی بدهید، می‌خواهید قبول می‌کنید، می‌خواهید رد می‌کنید.^۲

عبارات فوق‌گویای نظریات و اندیشه‌های حضرت امام خمینی در باب چگونگی وضع قانون اساسی است که در این راستا بر آن اندیشه‌ها تأکید شده و وضع قانون اساسی بر پایه آن افکار انجام شده است.

سوم: پیوند دین و ملت

تمام جوامع طالب حق و عدالتند. بدین خاطر است که خلائق در تمام زمان‌ها و مکان‌ها همواره به دنبال مستمسک مستحکمی بوده‌اند که این توقع آنان را برآورده سازند. حاصل این تلاش و تکاپوها در هر جا درک کمال مطلوب مشخصی است که اقوام و جماعات بدان دل می‌بندند و در نتیجه یک روحیه جمعی همراه با اعتقاد پایدار برای تحقق آن ایده‌آل به وجود می‌آید. پیامبران الهی همراه با دستورات آسمانی و بیان آیین زندگی، مردم را به تحقق عدالت دلالت نموده‌اند. بدین خاطر است که ادیان در سراسر گیتی گسترش یافته و اعتقاد راسخی به اجرای احکام الهی در جوامع ایجاد نموده‌اند.^۳

ملت (ایران) در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه، خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت و بدین طریق پیوند مکتبی بین ملت و دین اسلام ایجاد و مستحکم گردید.

دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی جهت تمام مراحل زندگی انسان، رهنمودها و برنامه‌هایی مدون و عالی دارد «از آن جمله این دین دارای یک سیستم حقوقی است که می‌تواند جامعه بشری را در بهترین وجه ممکن اداره نماید. نظام حقوقی اسلام از حیث

۱. همان، ص ۱۸۰، به نقل از صحیفه نور، ج ۴، ص ۵۲۳.

۲. همان، ص ۱۸۳، به نقل از صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۵۴.

۳. سید محمد هاشمی، همان، ص ۵۷.

خصوصیات قانون‌گذاری و تشریح و هم‌چنین اصول کلی دارای ملاک‌ها و ضوابط ویژه است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. هماهنگی حقوق اسلام با نیازهای بشری معاصر.
 ۲. دارا بودن قواعد کلی و فراگیر مانند آزادی و آزادگی، نفی ضرر، احترام به افکار و عقاید و کرامت انسان، حفظ و پاسداری از جان انسان‌ها، حفظ نظام اسلامی، تقدم صلح و اخلاق حسنه، عمل به پیمان‌ها و تعهدات و اصولی چون اصل اقتدار اسلامی، اصل عدالت خواهی و غیره.
- می‌توان گفت یکی از عوامل جذب ملت ایران به اسلام، منصف بودن این دین به ویژگی‌های فوق بوده است.

آنچه تاکنون درباره نظام حقوقی اسلامی بیان شد در مقام عینیت خارجی در نظام جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب شکوهمند اسلامی سال ۱۳۵۷ شکل گرفت و این امر نتیجه‌گرایی و پیوند ملت ایران به دین اسلام بود.^۱

اعتقاد ملت ایران به دین اسلام باعث گردید که تمام قوانین از جمله پایه‌ای‌ترین قانون، یعنی قانون اساسی بر مبنای قواعد و احکام اسلام وضع شود.^۲ این امر از اصول قانون اساسی نیز قابل استنباط است، از جمله اصل ۴ این قانون که مقرر می‌دارد:

«کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است...».

فصل دوم: منابع وضع قانون اساسی

مقصود از منابع در این جایگاه، شرع و آموزه‌های دینی، اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی، قانون اساسی کشورهای دیگر و قانون اساسی مشروطه و سایر قوانین قبل از انقلاب اسلامی می‌باشد که با استفاده از آنها قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وضع و تدوین شده است.

۱. راک: غفور خونی، درآمدی بر حقوق تطبیقی، ص ۱۱۸-۱۲۴.

۲. در ارتباط با نسبت و رابطه قانون با اعتقاد و نقش امت در قانون‌گذاری می‌توان از منبع زیر بهره جست:
سید محمود هاشمی، منبع قانون‌گذاری از دیدگاه اسلام، سلسله مقالات سومین کنفرانس اندیشه اسلامی مندرج در کتاب حکومت در اسلام، ص ۱۶۳ به بعد.

اول: شرع و آموزه‌های دینی

بنای حرکت و انقلاب ایران بر اساس اسلام بود. تمایل عمومی بر این بود که مقررات دین اسلام در تمام ارکان و اجزای کشور اجرا شود. یکی از مهم‌ترین این ارکان، قانون اساسی بود که بایستی پایه‌های حکومت اسلامی را در قالب قاعده و قانون طرح‌ریزی نماید.^۱ از این رو، ذهن تدوین‌کنندگان قانون اساسی پیش از هر منبع دیگر معطوف به اسلام و منابع آن گردید. منابعی چون قرآن و سنت و... که در این قسمت منابع مذکور را تحت عنوان «شرع و آموزه‌های دینی» مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه قرآن و مفاهیم آن وضع شده است. در مقدمه قانون اساسی، بر قانون‌گذاری به مأخذ قرآن تأکید شده است. در مقدمه قانون اساسی، می‌خوانیم:

قانون‌گذاری که بین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت جریان می‌یابد» بر همین اساس بسیاری از موضوعات مطرح در قانون اساسی با الهام از آیات کریمه قرآن تدوین شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

مقدمه قانون اساسی به آیات زیر از قرآن مجید آراسته شده است. در این مورد موضوعات مطرح شده نیز ذکر می‌گردد:

۱. امت واحد جهانی (إِن هَذِهِ، أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ)؛^۲

در این زمینه مقدمه قانون اساسی مقرر می‌دارد: «قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند».

۲. حکومت صالحان و اداره کشور توسط آنان (أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ).^۳

۳. تحقق حکومت مستضعفین (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ).^۴

در این خصوص در مقدمه قانون اساسی می‌خوانیم: «قانون اساسی زمینه مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع را در تمام مراحل تصمیم‌گیریهای سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست‌اندرکار و

۱. در مقدمه قانون اساسی می‌خوانیم: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد.

۲. انبیاء (۲۱) آیه ۹۲. ۳. همان، آیه ۱۰۵.

۴. قصص (۲۸) آیه ۵.

مسئول رشد و ارتقا رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود.

۴. تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِيَ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَالْآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ).^۱

۵. قضا و قضاوت بر پایه عدل اسلامی (وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ).^۲

۶. امید به تشکیل و تأسیس جامعه نمونه اسلامی (اسوه) (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا).^۳

در خصوص اصول قانون اساسی موارد زیر قابل ذکر است:

۱. شوراها به عنوان ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور

در این باره ذکر اصل هفتم قانون اساسی خالی از فایده نیست. اصل مذکور مقرر می‌دارد: طبق دستور قرآن کریم: وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَشَاوِرُهُمْ فِى الْأُمْرِ؛ شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند.

ملاحظه می‌گردد که تنظیم و تدوین این اصل از قانون اساسی با استناد صریح به آیات قرآن انجام شده است.

۲. امر به معروف و نهی از منکر

اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر سوره توبه آیه ۷۱ (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) وضع شده و بر این اساس امر به معروف و نهی از منکر را در جمهوری اسلامی ایران وظیفه‌ای همگانی دانسته است.

۳. امت واحد

علاوه بر مقدمه قانون اساسی، قانون‌گذار اساسی در اصل یازدهم نیز اشاره به امت واحد متشکل از همه مسلمانان می‌نماید و با استناد به آیه ۹۲ سوره انبیاء این اصل از قانون اساسی را بنیان می‌نهد.

اصل یازدهم: به حکم آیه کریمه (إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ) همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر

۳. بقره (۲) آیه ۱۴۳.

۲. نساء، (۴) آیه ۵۸.

۱. انفال (۸) آیه ۶۰.

پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد...

۴. برخورد نسبت به غیرمسلمانان از روی اخلاق حسنه و قسط و عدل

در این مورد اصل چهاردهم قانون اساسی بر اساس آیه ۸ سوره ممتحنه مقرر می‌دارد:
به حکم آیه شریفه (لَا تَنْهَسِكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتُلُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دِينِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ) دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند...

در مورد استفاده و بهره‌مندی قانون اساسی از سنت می‌توان گفت: «بسیاری از اصول قانون اساسی مستقیماً متکی به سنت است. احادیث و روایات از پیامبر و ائمه اطهار و به خصوص دستورات نهج‌البلاغه مقام محکمی در (قانون) اساسی جمهوری اسلامی دارند، مثلاً در خصوص برابری و عدم امتیاز از رسول اکرم (ص) داریم که:

«ایها الناس الا ان ربکم واحد و ان اباکم واحد، الا لافضل لعربی علی اعجمی و لاعجمی علی عربی و لاسود علی احمر و لاحمر علی اسود الا بالتقوی».

در خصوص اصل آزادی از حضرت علی (ع) چنین داریم:

«لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۱).

در خصوص رهبری از امام حسین (ع) نقل شده است:

«مجارى الامور بيد العلماء بالله الامناء على حلاله و حرامه» (بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۸۰).^۱

در این قسمت ما درصدد بیان همه آیات قرآن کریم و احادیث و روایات مرتبط با موضوعات قانون اساسی نیستیم^۲ ولی در بحث حاضر با مطالعه و بررسی دقیق مفاهیم قرآن و احادیث و دقت در اصول قانون اساسی و مطالعه مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی می‌توان به استفاده تدوین‌کنندگان قانون اساسی از منابع شرعی و آموزه‌های دینی به ویژه قرآن و سنت در وضع و تدوین این قانون پی برد.^۳

۱. ر.ک: سید جلال‌الدین مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۲. در این زمینه ر.ک: فهرست آیات و احادیث و روایات مورد استفاده در جلسات بررسی قانون اساسی مندرج در کتاب راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ص ۲۸۷.

۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی شامل سه جلد و نیز به جلیل قناتی، نظام حقوقی اسلام، ص ۱۵۰ به بعد و نیز حقوق در آینه فقه، تألیف جمعی از نویسندگان، ص ۱۹۷ به بعد.

دوم: اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی^۱

اکثر کشورهای جهان از آن جهت که عضو جامعه بین‌المللی محسوب می‌شوند خود را متعهد به اجرای مقررات و ضوابط حقوق بین‌الملل می‌دانند. اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی از جمله آن ضوابط قلمداد می‌شوند.

منظور از «اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی» متونی است که توسط یک مرجع بین‌المللی (سازمان ملل متحد و ارگان‌های وابسته به آن و...) مطابق با شرایط و مقتضیات جامعه بین‌المللی تنظیم و تصویب شده و اکثر قریب به اتفاق کشورها آنها را مورد پذیرش قرار داده‌اند.

در مورد چگونگی شناسایی، اجرا و رعایت اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی توسط کشورها، طرق و راه‌های مختلفی قابل ارائه است^۲ که خود موضوع بحث مستقلی است. در این جایگاه صرفاً اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی را به عنوان یکی از منابع وضع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌نماییم.

جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ خود را متعهد به اجرای بسیاری از اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی دانسته و به آنها رأی مثبت داده است. در این زمینه در کنار اعلامیه‌ها و اسناد متعدد بین‌المللی، اعلامیه‌های مربوط به حقوق بشر، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است.^۳ در این راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به دور از اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی نبوده است و تدوین‌کنندگان قانون اساسی مفاد اعلامیه‌ها و اسناد مذکور را مدنظر داشته‌اند. تدوین قانون اساسی بدین شکل به لحاظ تعهد و مسئولیت بین‌المللی هر کشور امری مسلم و بدیهی است و اساساً جمهوری اسلامی ایران چه از لحاظ مبنای ایدئولوژی و چه از حیث سابقه تاریخی - ملی نمی‌تواند نسبت به ضوابط و معیارهای بین‌المللی بی‌تفاوت باشد و یا آنها را نادیده انگارد.^۴

هم‌چنان که بیشتر گفته شد اجرا و رعایت مقررات بین‌المللی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران جلوه بیشتری داشته است. در این خصوص می‌توان گفت «نظام جمهوری

1. International declarations and documents.

۲. در این مورد متن اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی بهترین راهنما محسوب می‌شوند. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: همه ارکان اجتماع مجاهدت کنند که با تدابیر تدریجی ملی و بین‌المللی، شناسایی و اجرای واقعی مفاد اعلامیه تأمین گردد.

۳. ر.ک: محمدرضا بیگدلی، حقوق بین‌المللی عمومی، ص ۲۴۶ و نیز حسین مهرپور، حقوق در اسناد بین‌المللی.

۴. ر.ک: حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص ۳۶۵.

اسلامی ایران نمی‌تواند نسبت به موازین عدالت‌خواهی و رفع تبعیض و معیارهای حقوق بشری بی‌تفاوت باشد و بی‌تردید فارغ از مباحث و مطالب حقوق بشر نبوده و طبعاً تحت تأثیر این مفاهیم نیز قرار دارد، به خصوص که قانون اساسی در تدوین برخی مقررات خود، به ویژه در زمینه حقوق و آزادی‌های ملت خالی از الهام‌گیری از اسناد یا قواعد بین‌المللی حقوق بشر نبوده است.^۱ بدین لحاظ و در راستای «تأمین و شناسایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی»^۲ اگر بخواهیم به روال «اعلامیه جهانی حقوق بشر»^۳ - که در آن حقوق آزادی‌های افراد بیان شده است - به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نگاه کنیم خواهیم دید که قانون اساسی نیز از یک سو به کرامت و ارزش ذاتی انسان پرداخته و از سوی دیگر تعدادی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهم را به طور خاص برشمرده و رعایت آنها را لازم شمرده و در عین حال معیارهای محدودیت اجرای حقوق و آزادی‌ها را نیز بیان کرده است.^۴

سوم: قانون اساسی دیگر کشورها

یکی از ویژگی‌های قانون اساسی، تطبیق آن با مبانی اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشوری است که قرار است قانون اساسی در آن اجرا شود، لذا قانون اساسی هیچ کشوری نمی‌تواند تقلیدی باشد، به این معنا که اقتباس کور از قوانینی اساسی کشورهای دیگر بوده و صرفاً ترجمه‌ای از اصول قانون اساسی دیگر کشورها باشد. قانون اساسی تقلیدی هرگز ثبات و دوام نمی‌آورد، چون نه با معتقدات جامعه هم‌خوانی دارد و نه با شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سازگار خواهد بود. بخش عمده‌ای از قانون اساسی مشروطیت، تقلید صرف از قوانین اساسی کشورهای هم‌چون بلژیک و فرانسه بود که هرگز متناسب با نیازها و مقتضیات کشور ایران نبود.^۵ پس از انقلاب اسلامی در ایران «پیش‌نویس قانون اساسی

۱. مبان، ص ۳۶۵.

۲. نقل از مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر. برای اطلاع از متن این اعلامیه و اعلامیه‌های دیگر حقوق بشر، رک: هوشنگ ناصرزاده، اعلامیه‌های حقوق بشر.

3. Universal Declaration of Human Rights.

۴. حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص ۳۶۱. با اندکی تغییر. برای اطلاع از حقوق و آزادی‌های اساسی مردم در جمهوری اسلامی ایران رک: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصل سوم، «حقوق ملت».

۵. برای آگاهی بیشتر رک: سید جلال‌الدین مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۵ و ۱۲۰، محمدحسین صفار، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۹ و عباسعلی عمید زنجانی، مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۸.

شباهت بسیاری با قانون اساسی فرانسه داشت، ولی با ارائه طرح‌ها و پیشنهادهایی که از جانب طبقات مختلف مردم و متخصصین اسلامی در روزهای بعد از انقلاب داده شد، مجالی برای تقلید صرف باقی نماند. غالب عناوین و سرفصل‌ها همان است که در دیگر قوانین اساسی دنیا آمده، ولی سعی شده محتوای آن مؤید مبانی اسلامی بوده و با تمایلات و خواست‌های ملت ایران تطبیق داشته باشد و وضع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و سوابق تاریخی کشور در نظر گرفته شود.^۱

با توجه به مراتب فوق، قوانین اساسی کشورهای دیگر از جمله فرانسه به لحاظ شکلی یکی از منابع وضع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند، ولی از لحاظ ماهوی (محتوایی) به جهت انطباق آن با موازین اسلامی و شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران متمایز از قوانین اساسی کشورهایی چون فرانسه و... است. البته این بدان معنا نیست که در تدوین قانون اساسی به لحاظ محتوایی هیچ اقتباسی از کشورهای دیگر نشده است.^۲ بلکه از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی این‌گونه استفاده می‌شود که واضعان قانون اساسی کشور ما به وضعیت موجود در کشورهای دیگر به ویژه قانون اساسی آنها نظر داشته‌اند.^۳

چهارم:

قانون اساسی مشروطه و سایر قوانین قبل از انقلاب اسلامی (به ویژه قوانین ارگانیک) با مطالعه مجموعه اصول قانون اساسی مشروطیت و متمم آن مصوب سال‌های ۱۲۸۶ و ۱۲۸۵ ه‍.ش و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز بررسی صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و مطالعات حقوق اساسی می‌توان در مورد استفاده تدوین‌کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از قانون اساسی مشروطیت بر

۱. سید جلال‌الدین مدنی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۱.

۲. در این زمینه بعضی از نویسندگان اعتقاد دارند که جمهوری اسلامی ایران در تدوین برخی از مقررات قانون اساسی خود به ویژه در زمینه حقوق و آزادی‌های ملت خالی از الهام‌گیری از قوانین اساسی پیشرفته غربی چون فرانسه نبوده است (ر.ک: حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص ۳۶۵). همچنین یکی از علمای حقوق در خصوص تنظیم و تدوین مقررات مربوط به شورای نگهبان می‌نویسد: «تدوین‌کنندگان پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل مربوط به شورای نگهبان، عنوان «شورای نگهبان قانون اساسی» را برگزیدند که با توجه به مشابهت آن (از نظر شکل‌گیری و وظائف) با اصول و مواد قانون اساسی فرانسه مقتبس از قانون آن کشور به نظر می‌رسد (ر.ک: سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۲۶۷ با اندکی تغییر).

۳. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۳، ص ۱۶۷۹ و ۱۶۸۳.

این نظر بود که واضعان قانون اساسی در تدوین و وضع این قانون، اصول قانون اساسی مشروطیت را مدنظر داشته و از این اصول استفاده کرده‌اند. این امر به لحاظ شکلی (در قالب عناوین، تشکیلات حقوقی - سیاسی و...) و محتوایی قابل بررسی است که در این جایگاه به ذکر مصادیق و نمونه‌هایی اکتفا می‌نماییم:

۱. نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان نسبت به مصوبات مجلس مندرج در اصول ۴ و ۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به نظر می‌رسد با توجه به سابقه تنظیم اصل دوم قانون اساسی مشروطیت تدوین شده است. در اصل دوم قانون اساسی مشروطیت آمده است: «... تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامی بر عهده علمای اعلام بوده و هست...».

۲. رسیدگی به شکایات مردم توسط مجلس شورای اسلامی مندرج در اصل ۹۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با توجه به شباهت محتوایی (با اندکی تفاوت) مقتبس از اصل سی و دو قانون اساسی مشروطیت می‌باشد. برای تبیین بیشتر عین اصول مذکور را ذکر می‌نماییم:

اصل ۹۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

«هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند».

اصل ۳۲ قانون اساسی مشروطیت:

«هر کس از افراد ناس می‌تواند عرضحال یا ایرادات یا شکایات خود را کتباً به دفترخانه عرایض مجلس عرضه بدارد. اگر مطالب راجع به خود مجلس باشد جواب کافی به او خواهد داد و چنانچه راجع به یکی از وزارتخانه‌ها است بدان وزارتخانه خواهد فرستاد که رسیدگی نماید و جواب مکفی بدهند»

۳. احکام دادگاه‌ها

در این خصوص اصل ۱۶۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد:

«احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است».

به نظر می‌رسد این اصل در راستای اصل ۷۸ متمم قانون اساسی مشروطیت تدوین شده باشد. اصل مذکور مقرر می‌دارد:

«احکام صادره از محاکم باید مدلل و موجه و محتوی فصول قانونیه که بر طبق آن صادر شده است بوده و عیناً قرائت شود».

با دقت و بررسی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی مشروطه می‌توان به موارد دیگری از استفاده و بهره‌مندی مدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از قانون اساسی مشروطه دست یافت. ذکر این نکته لازم است که در رابطه با استفاده از اصول قانون اساسی مشروطه تنها اصولی که با موازین اسلامی منطبق بوده، به کار گرفته شده است و بسیاری از اصول که از این انطباق برخوردار نبوده و نیز با ساختار و تشکیلات کشور ما هم‌خوانی نداشته، طرد شده‌اند.^۱ در مورد سایر قوانین قبل از انقلاب اسلامی منطقی است که بیان کنیم این قوانین به عنوان منبعی جهت وضع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محسوب نمی‌شوند، چون در تدوین قانون اساسی پرداختن به کلیات، اصل است^۲ و جایگاهی برای ارائه و بیان امور جزئی وجود ندارد. توضیح این که در قانون اساسی کلیاتی راجع به نهادهای حکومتی، روابط حکومت و مردم، حقوق و وظایف افراد و... بیان می‌شود و جزئیات امر به قوانین مصوب پارلمان یا مجلس قانون‌گذاری (قوانین عادی) واگذار می‌شود، لذا برای وضع قانون اساسی بایستی به منابعی مراجعه کرد که به امور کلی مذکور می‌پردازند.

با توجه به مطالب فوق و از آن جا که قوانین قبل از انقلاب اسلامی (به جز قانون اساسی مشروطه) در زمره قوانین محسوب می‌شوند، لذا به نظر می‌رسد در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از این قوانین استفاده‌ای نشده باشد.

۱. در این مبحث از نظریات سید محمد هاشمی، طی مصاحبه مورخه ۲۸/۱۰/۸۲ استفاده شده است.

۲. در مورد مبحث فوق رک: سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۲۶۷، ۲۹۴، ۴۹۵، ۵۲۴.

۳. یکی از مشخصات قانون اساسی «کلی بودن» آن است. قانون اساسی نباید وارد جزئیات گردد، تفصیل مسائل یا قوانین عادی است. مواردی مثل: ترتیب تشکیل ارگان‌ها، طرق تأمین احتیاجات و رفع نیازمندیها، وظایف و اختیارات مسئولین اداری کشور نباید در قانون اساسی مطرح گردد. فید جزئیات قانون اساسی را از حالت بنیادی خارج می‌سازد. (رک: به سید جلال‌الدین مدنی، کلیات حقوق اساسی، ص ۳۹).

در خصوص قوانین ارگانیک نیز همین وضعیت و استنباط صادق است. «قوانین ارگانیک به قوانینی گفته می‌شود که منشأ تقنینی عادی دارند، یعنی به وسیله پارلمان به تصویب می‌رسند، ولی به مثابه تدبیری برای اجرای قانون اساسی و تکمیل آن تلقی می‌شوند مثلاً قانون انتخابات، قانون تقسیمات کشور، قانون صلاحیت انجمن‌ها و شوراهای محلی و امثالهم را می‌توان جزو قوانین ارگانیک دانست»^۱. برای تبیین بیشتر ماهیت قوانین ارگانیک می‌توان اذعان نمود که «قانون‌گذار اساسی برخی از مسائل و موضوعات را امری اساسی می‌داند و دستور لازم را در یک قالب‌بندی مشخص و با ذکر خطوط کلی بیان می‌کند، اما ذکر جزئیات مکمل و یا تفصیل مطالب و نحوه اجرای آن موکول به قوانین مصوب مجلس می‌باشد. این قوانین اصطلاحاً سازمان‌دهنده (ارگانیک) نامیده می‌شوند»^۲. لذا به نظر می‌رسد که قوانین ارگانیک قبل از انقلاب اسلامی نمی‌توانند به عنوان منبعی جهت تدوین و وضع قانون اساسی شناخته شوند، بلکه «این قوانین مجموعاً اسناد مفصلی را تشکیل می‌دهند که در منابع حقوق اساسی^۳ کشور جای می‌گیرند»^۴.



۱. ابوالفضل فاضلی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۱، ص ۱۰۱.
 ۲. سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۴۷ و ۴۸.
 ۳. منابع حقوق اساسی عبارتند از: قانون اساسی، قانون عادی (قوانین ارگانیک)، مصوبات قوه مجریه، عرف و عادت، رویه قضایی، دکترین حقوقی و غیره.
 ۴. سید محمد هاشمی، همان، ص ۴۸.

فهرست منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۳. امام خمینی، صحیفه نور.
۴. جمعی از نویسندگان، حقوق در آینه فقه، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۱.
۵. حشمت‌زاده، محمد باقر، چهارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، چاپ اول، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
۶. خلیلی، محسن، «بایستگی پدیداری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه حضور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بهار ۱۳۷۸، شماره ۲۷.
۷. خوئینی، غفور، درآمدی بر حقوق تطبیقی، چاپ سوم، نشر زهد، ۱۳۸۱.
۸. صفار، محمدجواد، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ هجدهم، انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲.
۹. صمیمی‌کیا، مسعودالظفر و آذرفر، فروز، فرهنگ حقوقی فارسی - انگلیسی، چاپ دوم، انتشارات دشتستان، ۱۳۷۷.
۱۰. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشتمل بر ۴ جلد، انتشارات اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
۱۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌المللی عمومی، چاپ شانزدهم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱.
۱۲. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی، بی‌تا.
۱۳. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

۱۴. قنواتی، جلیل، نظام حقوقی اسلام، چاپ اول، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۵. مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، چاپ سوم، انتشارات سروش، ۱۳۶۵.
۱۶. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ پانزدهم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
۱۷. مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی.
۱۸. _____، نظام بین‌المللی حقوق بشر، چاپ اول، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷.
۱۹. ناصرزاده، هوشنگ، اعلامیه‌های حقوق بشر.
۲۰. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱ و ۲.
۲۱. هاشمی، سید محمود، «منبع قانون‌گذاری از دیدگاه اسلام»، سلسله مقالات سومین کنفرانس اندیشه اسلامی مندرج در کتاب حکومت در اسلام، چاپ اول، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی